

بررسی قاعده منع شکنجه و رفتارهای مشابه دیگر در حقوق ایران و انگلستان و با نگاهی بر اسناد حقوق بشر

چکیده

زمینه و هدف: اکثر کنوانسیون های حقوق بشری بر ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای مشابه آن تأکید کرده اند از این رو اکثر کشورها از جمله ایران و انگلستان در قوانین داخلی خود به این موضوع پرداخته اند. هدف اصلی مقاله حاضر تبیین و تشریح جایگاه قاعده مذکور در حقوق ایران و انگلستان و بررسی آن در اسناد حقوق بشری است.

روش: روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و اطلاعات مقاله به صورت اسنادی - کتابخانه ای از طریق فیش برداری گردآوری شده است.

یافته ها: ممنوعیت شکنجه و رفتارهای مشابه در اکثر اسناد حقوق بشری بطور مطلق پذیرفته شده است و در ایران و انگلستان با توجه به قواعد حاکم بر حقوق داخلی خود آن را منع کرده اند.

نتیجه گیری: لزوم اقدامات بیشتر و برخورد هر چه وسیع تر جامعه جهانی به خصوص در قوانین ایران و انگلستان در جهت مبارزه با شکنجه و رفتارهای مشابه آن.

واژگان کلیدی: شکنجه، رفتارهای مشابه، قوانین داخلی، حقوق ایران، حقوق انگلستان، اسناد حقوق بشری.

امروزه قاعده منع شکنجه و رفتارهای مشابه دیگر نظیر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و ترذیلی (تحقیرآمیز) از اصول مسلم و شناخته شده حقوق بشری و مورد تأیید مجامع بین المللی است، اما در گذشته، شکنجه یکی از کوتاهترین راه ها برای گرفتن اطلاعات و اخذ اعتراف یا انکار اعتقاد... بود و نه فقط فاقد وصف جزایی بوده بلکه به صورت اقدامی مشروع و قانونی قلمداد می گردید (صادقی ۱۳۸۱: ۱۲۰).

ممنوعیت رسمی شکنجه در کشورهای غربی از انگلستان^۱ در سال ۱۶۰۰ آغاز شد و روشننگری اندیشمندان و نهضت اصلاحات اجتماعی و قضایی باعث شد که در غرب از قرن ۱۸ به بعد شکنجه متهمان یا محکومان توسط مأموران و مقامات به تدریج کنار گذاشته شود. بطوری که تا سالهای میانی قرن نوزدهم شکنجه در بیشتر کشورهای غربی غیر قانونی اعلام شد.

در ایران نیز در همین دوران بود که مأموران حکومت رسماً از شکنجه متهمان باز داشته شدند. در سطح بین المللی نیز به لطف ترویج اندیشه های انسانی و پیشرفت نهضت جهانی حقوق بشر، شکنجه به عنوان یکی از موارد نقض آشکار حقوق انسانی و لطمه به شرافت و سلامت جسمی و روانی افراد محکوم شناخته شد (رنجبریان ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۴۸). بعلاوه لزوم پاسخگویی به انتظارات جامعه جهانی در خصوص رعایت حقوق بشر مجامع بین المللی را از ابتدای قرن بیستم به اتخاذ تدابیر و تمهیداتی واداشته که به موجب آن ضمن طرح حقوق بشر به عنوان یک موضوع فراملی، ممنوعیت شکنجه را در غالب میثاق های بین المللی به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد تاکید قرار داده (صادقی ۱۳۸۱: ۱۲۰)، که مهم ترین آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

^۱ پادشاهی متحده انگلستان از چهار قسمت عمده جغرافیائی تشکیل می شود: ۱- بریتانیای کبیر با ۴۲ ایالت پایتخت آن شهر لندن است که پایتخت تمامی انگلستان محسوب می شود، ۲- اسکاتلند با ۳۳ ایالت پایتخت آن در شهر ادینبورگ است، ۳- ولز یا گال با ۱۲ ایالت پایتخت آن شهر کاردیف است، ۳- ایرلند شمالی با ۱۵ ایالت پایتخت آن شهر بلفاست است. این چهار منطقه جغرافیایی از نظر حقوقی و قضائی به سه حوزه مستقل از هم تقسیم می شود. ۱- انگلستان و ولز ۲- ایرلند شمالی ۳- اسکاتلند، که در این پژوهش تنها حقوق انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است.

مصوب ۱۹۶۶ و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی رحمانه، غیر انسانی یا موهن مصوب ۱۹۸۴^۱ می باشد که کنوانسیون اخیر بطور مشخص به موضوع شکنجه پرداخته است.

قانون اساسی ایران که متأثر از مبانی فقهی است هر نوع شکنجه را ممنوع اعلام کرده و تخلف از آن را مستحق مجازات می داند و در قوانین کیفری نیز این جرم مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است .

در قوانین داخلی انگلستان نیز هر گونه شکنجه و رفتارهای غیر انسانی جرم انگاری شده است، علاوه بر این از آنجایی که این کشور چندین کنوانسیون بین المللی حقوق بشری از جمله کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل متحد (۱۹۸۴) و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه را تصویب کرده است قانوناً ملزم و متعهد به تعهدات اش می باشد، هرچند که در عمل این کشور به بهانه مبارزه با تروریسم تعهدات خود را در زمینه ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی زیر پا می گذارد.

۱- تعاریف و مفاهیم

در فرهنگ معین شکنجه به معنی «ایذا، اذیت، تعذیب، رنج، آزار و عذاب» آمده و شکنجه دادن عبارت است از «رنج دادن متهم با آلات و ادوات شکنجه تا از او اقرار گیرند» (معین ۱۳۷۱: ۲۰۶۶).

برخی از فقهای اسلامی شکنجه را اخص از هر نوع رنج و عذاب دانسته و فارق بین شکنجه و اذیت و آزار را استمرار توصیف نموده اند. چنانکه شیخ طوسی (ره) در تعریف شکنجه آورده است: «والتعذیب ایقاع العذاب لصاحبه و العذاب الم یستمر به» (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۲۰).

در زبان انگلیسی «Torture» در برابر شکنجه، از لحاظ واژه شناسی، از واژه لاتین «tortura» و آن نیز از «Torture» به ترتیب به معنای پیچاندن و پیچانده شده گرفته شده است. ریشه اصلی این واژه، به زبان هند و اروپایی و به سال ۱۰۰۷ میلادی برمی گردد که در آن زمان ریشه «Terkw» به عنوان مصدر، به معنای چرخاندن و پیچاندن استعمال داشت و سپس به «torquere» تغییر شکل داد (هاوکینز ۱۹۸۸).

^۱ از این به بعد هرکجا از کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) سخن گفته می شود، مراد همین کنوانسیون است که به جهت رعایت اختصار از ذکر نام به طور کامل خوداری شده است.

در فرهنگ روزمره ی انگلیسی، شکنجه یا Torture به معنای عذاب، زجر، عذاب دادن، زجر رساندن، آزار رساندن، اذیت کردن، بد تعبیر کردن، بدمعنی کردن و کج کردن آمده است (شفیعی نیا ۱۳۸۸: ۷۲).

همان طور که اشاره شد، تمام فرهنگهای لغت آزار و عذاب جسمی و روحی متهم را در تعریف شکنجه آورده اند و با تفسیر موسّع می توان رنج و آزار روحی و جسمی غیر مستقیم را از این تعابیر استخراج کرد. از سوی دیگر، نظام حقوقی اسلام و همچنین قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، تعریفی از واژه شکنجه ارائه نکرده اند (همان ۷۶-۷۵)، لکن با توجه به مواد قانونی و عناصر لازم در تکوین این جرم می توان گفت: شکنجه عبارت است از تحمیل عمدی و غیر قانونی درد و رنج مستمر روحی یا جسمی بر دیگری که به منظور کسب اطلاع یا اخذ اقرار به وسیله یا به دستور مأموران یا مستخدمین دولتی انجام می گیرد (صادقی ۱۳۸۱: ۱۳۱).

در انگلستان، این جرم زمانی انجام می شود که مأمور یا شخصی که به جای مأمور انجام وظیفه می کند، هنگام انجام وظایفش صدمه و آزار سختی را بر دیگری وارد کند. اهمیتی ندارد که درد و صدمه جسمی باشد یا روحی و یا عمدی صورت گرفته یا از روی غفلت (کروزن ۱۳۸۴: ۸۱) (یا به وسیله فعل باشد یا ترک فعل).

در بسیاری از اسناد جهانی ممنوعیت شکنجه بیان شده است، ولی در تعداد بسیار اندکی از آنها تعریف شکنجه ارائه گردیده است (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۲۱).

در اسناد جهانی حقوق بشر، اولین تعریف از شکنجه در ماده ۱ «اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز» که به موجب قطعنامه مجمع عمومی شماره ۳۴۵۳ در ۹ دسامبر ۱۹۷۵، تصویب شده، ذکر شده است (همان: ۲۲). اما دقیق ترین تعریف، در ماده ۱ «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز» که به وسیله قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ مجمع عمومی در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ به تصویب رسیده، ذکر شده است این کنوانسیون، شکنجه را به صورت زیر تعریف نموده است: «ماده ۱: ۱. برای اهداف این کنوانسیون واژه «شکنجه» یعنی هر فعل عمدی که به وسیله آن درد یا صدمه شدید، اعم از جسمی یا روحی به منظور رسیدن به اهدافی از قبیل کسب اطلاعات یا اقرار از قربانی یا شخص ثالث، مجازات قربانی برای عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، مرعوب نمودن یا اعمال فشار

بر قربانی یا شخص ثالث، یا به هر علتی که بر مبنای هرگونه تبعیض باشد، هنگامی که چنین درد یا صدمه ای توسط یک مأمور رسمی یا تحت نظارت وی یا با رضایت یا سکوت وی در صلاحیت رسمی او صورت می پذیرد، بر شخصی تحمیل گردد. این تعریف شامل درد و رنجی نیست که صرفاً ذاتی یا لازمه ضمانت اجرای قانونی است (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۲۳).

در اسناد منطقه ای، در اسناد مهمی نظیر «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» و «کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و مجازات یا رفتارهای غیرانسانی و تحقیر آمیز»، هیچ تعریفی از شکنجه ارائه نشده است. در این اسناد تنها به بیان ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و همچنین سازو کارهای جلوگیری و مبارزه با آنها اکتفا شده است. (همان: ۲۴).

۲- تعریف رفتارها و مجازاتهای مشابه شکنجه

که شامل رفتارها و مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز است، در اسناد بین المللی تعریفی از این رفتارها و مجازاتها، وجود ندارد؛ زیرا، دستیابی به یک راه حل قانع کننده در مورد تعریف این مفاهیم کلی دشوار است. و باید در راستای اوضاع و احوال هر پرونده، به طور خاص، تصمیم گیری شود (همان: ۶۶).

در خصوص رفتار ظالمانه، تنها چیزی که می دانیم این است که واژه «ظالمانه» یا «بی رحمانه» به طور ضمنی شامل مفهوم غیرانسانی و بربریت (وحشی گری) است و در تحقق آن، نیازی به عنصر هدف که در شکنجه احراز آن ضرورت دارد، نیست (جیاویک کراما ۲۰۰۲: ۳۰۸).

به طور کلی واژه رفتار ظالمانه، تحمیل درد یا رنجی را توصیف می نماید که شیوه ای مغایر با احساس انسانی است و منجر به جرح، درد یا زخم می گردد (گندی ۲۰۰۴: ۵۴). با این حال هیچ خصوصیت ویژه ای را نمی توان ذکر نمود که وجه ممیزه رفتار ظالمانه (خشن) از سایر مفاهیم مرتبط باشد (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۶۸) و در توضیح مجازات های بی رحمانه (ظالمانه، خشن)^۱، با بهره گیری از رویه قضایی می توان گفت: مجازات ظالمانه یک اشاره دقیق تری نسبت به مجازات غیر انسانی دارد؛ گرچه برخی مجازات ظالمانه را نظیر مجازات غیر انسانی بر شمرده اند، اما به نظر می رسد که مجازات غیر انسانی نه تنها مجازات ظالمانه را در بر می گیرد بلکه حتی مواردی را که مطابق با کرامت انسانی نیست را نیز

¹ Cruel punishment

شامل می شود؛ یعنی مجازات غیر انسانی دارای عمومی است که مجازات ظالمانه را نیز در بر می گیرد، در حقیقت مجازات ظالمانه اخص از مجازات غیر انسانی است (همان: ۷۸-۷۹).

رفتار غیر انسانی یک فعل یا ترک فعل عمدی است؛ عملی است که چنانچه به طور عینی در مورد آن قضاوت شود و مورد بررسی قرار گیرد، عمل عمدی بوده و اتفاقی نیست؛ باعث رنج یا صدمه شدید روحی یا جسمی می شود؛ یا این که یک حمله جدی به تمامیت جسمی یا روحی یا سلامت شخص تلقی می شود و یا آن عمل مغایر با اصل بنیادی رفتار انسانی، به ویژه نقض کرامت ذاتی بشر است (همان: ۶۹-۷۰).

همچنین، در خصوص مجازات های غیر انسانی^۱، اصولی که برای مجازات های ظالمانه (بی رحمانه) به کار می روند در اکثر موارد برای مجازات های غیر انسانی نیز به طور یکسان به کار می روند. با این توضیح که عنوان «رفتار» اعم از «مجازات» بوده و همواره مشتمل بر آن است؛ دادگاه اروپایی «رفتار و مجازات غیر انسانی» را ذیل همین عنوان به یک شکل تعریف نموده است و تعریفی جداگانه برای آنها ذکر نکرده است (همان: ۸۰).

اگر مجازاتی را که دولت ها نسبت به افراد تحت صلاحیت خود اعمال می نمایند، به گونه ای باشد که منجر به طبقه بندی مجرمین در انسانیت آنها گردد، چنین مجازاتی غیر انسانی است یعنی این که اعمال مجازات بر افراد یا وضع آن به گونه ای باشد که نسبت به سایر افراد، آنها را از انسانیت خارج سازد یا انسانیت آنها را نادیده بگیرد. همچنین در تعریف آن، می توان گفت مجازات غیر انسانی نظیر رفتاری است که عامدانه منجر به درد و رنج شدید جسمی یا روحی می گردد، اگرچه به درجه شکنجه نمی رسد. این تعریف مبتنی بر عنصر شدت است که اشاره به وجه تمایز این عمل از شکنجه دارد. بنابراین اگر افعال غیر انسانی به منظور مجازات مجرم به سبب رفتار پیشین او به کار گرفته شود، اصطلاح مجازات غیر انسانی برای توصیف آن به کار می رود (کندی ۲۰۰۴: ۲۲۶).

در ارتباط با تبیین رفتارهای تحقیر آمیز (موهن)^۲، می توان اجمالاً بیان داشت؛ تجاوز به کرامت شخص و نوعی رفتار بی رحمانه است که اعمال به ویژه زشتی را که سبب ورود رنجی شدیدتر از سایر اعمال ممنوعه همسنگ می شود را تشکیل می دهد. در واقع عملی است که با انگیزه توهین به کرامت شخص

¹ inhuman punishment.

² degrading treatment.

دیگری انجام می شود. چنین عملی باید شدیداً برای قربانی موهن یا تحقیر آمیز باشد؛ هر چند لازم نیست که تعرضی مستقیم علیه سلامت جسمی یا روحی قربانی باشد. بلکه تنها کافی است که رفتار موهن یا تحقیر آمیز رنج و درد شخص را به دنبال داشته باشد، گرچه درجه رنج در یک شخص با شخص دیگر متفاوت است (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۷۵-۷۴).

مجازات های تحقیر آمیز^۱ زمانی است که شخصی تحقیر می شود صرفاً به علت این که از حیث جنایی محکوم شده است؛ ولی نه به آن علت که با محکومیتش سرافکننده (خوار) شده است، بلکه به خاطر شیوه اجرای مجازاتی که بر او اعمال گردیده است، بنابراین، در بیشتر موارد- نه همه موارد- این امر یکی از آثار مجازات قضایی است. به گونه ای که ناچاراً موجب پابندی به الزامات نظام کیفری می گردد. برای این که مجازاتی «تحقیر آمیز» باشد، خوار شدن یا تحقیر شخص باید به یک درجه و شدت معینی برسد. به هر حال، آن تحقیر باید ناشی از عاملی، غیر از عامل عادی (معمولی) تحقیر موجود در مجازات قضایی باشد یا باید موجب مرتبه ای از تحقیر گردد که به طور مشخص فراتر از ماهیت آن چیزی است که در هر مجازات عادی وجود دارد، به گونه ای که شکل اجبار یا منع از آزادی را به خود بگیرد. این ارزیابی در ماهیت موارد مختلف نسبی است و بستگی به تمامی اوضاع، احوال و شرایط خاص مربوط به هر مورد دارد. خصوصاً به ماهیت و جایگاه خود مجازات و رفتار و شیوه اجرای آن وابسته است (همان: ۸۲).

۳- تمایز شکنجه با سایر سوء رفتارها در اسناد حقوق بشر^۲

کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴)، بین شکنجه و دیگر اقدامات- رفتار یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز- به صورت کلی تمایز قائل شده است؛ زیرا، در ماده ۱۶ کنوانسیون مذکور آمده است که دولت ها متعهدند تا سایر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز را که نمی توان آنها را در شمار ماده ۱ تعریف شده، برشمرد نیز جلوگیری نمایند. این مطلب، به طور کلی وجود یک تمایز را بین آنها نشان می دهد. از همین تفکیک کلی متوجه می شویم که میان این اصطلاحات تفاوتی وجود دارد، اما این که تمایز بین این دو مورد چیست؟ یا ویژگی های هر کدام از آنها چیست که آنها را از یکدیگر متمایز می نماید؟ در کجا یک رفتار شکنجه محسوب می گردد و در کجا به آن رفتار اطلاق رفتار غیر انسانی یا ظالمانه می گردد؟ یا به آن اطلاق مجازات غیر انسانی یا ظالمانه می شود؟ در اسناد مربوط هیچ

¹ degrading punishment.

² Distinction Between torture and other Illtreatment.

اشاره ای به این ویژگی ها یا تفاوت ها نشده است، بنابراین به این سئوالات باید با توجه به رویه قضایی پاسخ داد. تمایز بین شکنجه و مجازات یا رفتار غیر انسانی یا ظالمانه یا تحقیر آمیز در رویه کمیسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر، تا حدودی بیان گردید. در قضیه یونان در سال ۱۹۶۹، کمیسیون ابراز نمود به این که بین اقدامات ممنوع شده، که در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان گردیده اند رابطه عموم و خصوص مطلق موجود است:

«... هر شکنجه ای لزوماً رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز است و رفتار غیر انسانی نیز تحقیر آمیز است». به عبارت دیگر شکنجه را اعم از رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز می داند و رفتار غیر انسانی را نیز اعم از رفتار تحقیر آمیز محسوب می نماید (همان: ۱۱۱-۱۱۰).

علاوه بر این، شکنجه از مجازات یا رفتار غیر انسانی یا تحقیر آمیز بوسیله ضرورت وجود عنصر هدف (مقصود) برای آن افرادی که تحت رفتار غیر انسانی قرار داده می شود، نظیر به دست آوردن اطلاعات، یا یک اعتراف و یا اجرای یک مجازات تمایز داده شده است. در واقع تفاوت و تمایز دومی که کمیسیون اروپایی حقوق بشر بین شکنجه و رفتار غیر انسانی گذاشته است مربوط به عنصر هدف می شود که در شکنجه باید احراز گردد، اما در رفتار غیر انسانی لزوماً چنین امری ضروری نیست (همان: ۱۱۲).

علاوه بر این، ممنوعیت شکنجه یک ممنوعیت مطلق و هنجار جهانی بوده و هست. اما در خصوص سایر سوء رفتارها گرچه ممنوعیت آنها در پرتو این اسناد آمده است ولی در مصادیق آن اختلاف نظرهای زیاد وجود دارد، البته توصیف ممنوعیت مجازات یا رفتار غیر انسانی یا ظالمانه یا تحقیر آمیز همچنین بر پایه مبانی دیگری نیز صورت گرفته است (همان: ۱۱۷).

در حقوق انگلستان از آنجایی که این کشور کنوانسیون های منع شکنجه و رفتار و مجازات ظالمانه و غیر انسانی و تحقیر کننده (۱۹۸۴) و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه را پذیرفته، تفاوت بین شکنجه و رفتار تحقیر آمیز و غیر انسانی را در شدت بد رفتاری (رفتار سوء)^۱ می داند. و در ماده ۳ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸^۲ علاوه بر ممنوعیت شکنجه، رفتارها و مجازات های غیر انسانی یا تحقیر آمیز را هم منع کرده است.

^۱ill-treatment.

^۲ این قانون، قانون پارلمان انگلستان بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.

در ایران با توجه به عدم الحاق به کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) در اکثر قوانینی که شکنجه جرم انگاری شده هیچ تمایزی بین شکنجه و سایر سوء رفتارها وجود ندارد و همان معنای عرفی از شکنجه بیان شده است البته با وجود الحاق ایران به کنوانسیون های حقوق بشری دیگر از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک که به این تمایز اشاره کرده اند می توان این خلع قانونی را پر کرد.

۴- خاستگاه قاعده منع شکنجه و رفتارهای مشابه دیگر

قانون گذار ایرانی علاوه بر پیوستن به قراردادها و کنوانسیون های بین المللی^۱، با تصویب قوانین داخلی به روشن ترین وجه بر ممنوعیت هر نوع شکنجه روحی و جسمی تأکید داشته و در اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی آورده است: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است؛ متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

علاوه بر این برخی از اصول دیگر قانون اساسی مانند اصول ۲۲-۲۳-۳۲-۳۶-۳۷-۳۹ و..... نیز به طور ضمنی بر جلوگیری از شکنجه اصرار ورزیده است.

همچنین قوانین عادی مصوب قوه مقننه در مواضع مناسب طی مواد متعددی به توصیف مجرمانه این رفتار غیر انسانی پرداخته، مرتکب را مستحق ضمانت اجراهای کیفری دانسته است.

از آن جمله است ماده ۵۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۲ که ضمن تکرار صدر ماده ۱۳۱ قانون مجازات عمومی سابق، بر ممنوعیت شکنجه تأکید داشته و در ماده ۷۲ همین قانون آزار و شکنجه شخص توقیف شده را علاوه بر دیه یا قصاص موجب تعزیر تا ۷۴ ضربه تازیانه شمرده است.

^۱ از جمله کنوانسیون های بین المللی مرتبط با شکنجه که ایران به آنها ملحق شده به قرار زیر است:

۱. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در اردیبهشت ۱۳۵۴

۲. کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن مصوب خرداد ۱۳۵۵

۳. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید در تاریخ ۶۳/۱۱/۴

۴. کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۷۲/۱۲/۱

قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مفاد ماده ۵۸ قانون تعزیرات سابق را با تغییرات جزئی طی ماده ۵۷۸ چنین آورده است "هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به وسیله اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت" (صادقی ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۲۱). همچنین در ماده ۵۸۷ به این جرم اشاره شده است.

علاوه بر این، قانونگذار ایران جهت حفظ حقوق شهروندان از جهات مختلف، «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» را طی ماده واحده ای در ۸۳/۲/۱۵ به تصویب رساند. در این قانون اقدامات غیر انسانی از جمله ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا و تحقیر و توهین آنان به هنگام دستگیری و بازجویی یا استنطاق و تحقیق (بند ۶)، پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم به هنگام بازجویی و بردن آنان به اماکن نامعلوم (بند ۷)، و هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار فاقد حجیت شرعی و قانونی خواهد بود (بند ۹) (همان: ۹۵-۹۴)، البته این قانون تا سال ۱۳۹۲ فاقد ضمانت اجرا بود اما با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و برطبق ماده ۷^۱ به این قانون ضمانت اجرا داده است.

همچنین قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۹ مقرر می دارد: «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد کند» (ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

انگلستان نیز به کنوانسیون های حقوق بشری متعددی پیوسته است^۲ و اگرچه قانون اساسی نوشته ای ندارد (برادلی و اوینگ ۱۳۸۵: ۳۲۱). اما در قوانین داخلی اش به موجب ماده (بخش) ۱۳۴ قانون عدالت

^۱ ماده ۷ «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد»

^۲ "Torture in UK law", (2008), (April 7, 2014) Available at <http://www.justice.org.uk/pages/torture-in-uk-law.html/>

کیفری ۱۹۸۸ که مهم ترین رکن قانونی شکنجه می باشد عمل "تحمیل عمدی درد شدید و یا ایجاد زیان و ضرر برای شخص دیگری در وظایف رسمی خود" یک جرم به حساب می آید. این ماده با قصد محترم شمردن مسئولیت انگلستان در قبال کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز سازمان ملل ۱۹۸۴ ایجاد شد. (کنوانسیون شکنجه).^۱

همچنین ماده ۳ قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ انگلستان که قانون پارلمان این کشور براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می باشد و انگلستان نیز به آن پیوسته.^۲ مقرر می دارد «هیچکس نباید شکنجه شده یا در معرض رفتارها و مجازات های غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد». و در، ماده ۷۶ «قانون پلیس وادله کیفری» ۱۹۸۴ استفاده از اقراری که نتیجه اعمال فشار باشد ممنوع اعلام شده است (حاتمی و حاجی زاده ۱۳۸۶: ۱۶۷) که این ماده به طور ضمنی اقرار ناشی از شکنجه را ممنوع می دارد.

علاوه براین، حتی اگر چنین ممنوعیتی در حقوق داخلی انگلیس نیز وجود نمی داشت، از آنجایی که انگلستان در زمره کشورهای است که از نظریه «یگانگی حقوقی» با برتری حقوق بین المللی قراردادی بر «حقوق داخلی» پیروی می کند، در صورتی که تعارضی میان قواعد حقوق داخلی با تعهدات بین المللی آن کشور حادث شود، دادگاه های انگلستان تفوق را به حقوق بین الملل می دهند و تعهدات ناشی از معاهدات بین المللی را بر قواعد حقوق داخلی مقدم می دارند (همان).

از این رو با توجه به تصویب کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای غیر انسانی و تحقیر کننده (۱۹۸۴) در ۸ دسامبر ۱۹۸۸ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و رفتار یا مجازاتهای غیر انسانی و تحقیر کننده توسط انگلستان^۴ و همچنین عضویت این کشور در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^۵ و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)^۶ از آنجایی که در ماده ۷ میثاق

¹Torture in UK law ,Ibid.

² Human Rights Act(July 7,2014)Available at <http://www.mind.org.uk/information-support/legal-rights/human-rights-act/>

³ Ibid.

⁴ "Article 3: Freedom from torture and inhumane and degrading treatment or punishment" (2012) ,Human Rights Review ,p. 78, (May 24 , 2014) Available at

http://www.equalityhumanrights.com/uploaded_files/humanrights/hrr_article_3.pdf/.

⁵ "International Covenant on Civil and Political Rights" , (may 7,2014), Available at https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-4&chapter=4&lang=en

⁶ "Convention on the Rights of the Child" , (may7,2014), Available at

میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۷ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی تصریح شده است این کنوانسیون ها هم جزء مستندات قانونی شکنجه و رفتار های مشابه در حقوق انگلستان قرار می گیرند.

حقوق بین الملل همانند سایر نظامهای حقوقی، معتقد به ضرورت توصیف مجرمانه جرم به وسیله قانون است. موضع حقوق بین الملل در مورد ممنوعیت اعمال شکنجه در اسناد و معاهدات متعدد بین المللی، به صورت مکرر بیان شده و به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه به برخی از این اسناد حقوق بشری اشاره می شود :

در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ بر ممنوعیت هرگونه شکنجه و دیگر رفتارها یا تنبیه های خشن، غیر انسانی و وهن آمیز تصریح کرده است، ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با صراحت می گوید : « هیچ کس را نمی توان مورد شکنجه و آزار و یا رفتار های خشن، غیر انسانی یا موهن قرار داد.»

همچنین معاهده «منع شکنجه و دیگر رفتارها و تنبیه های خشن، غیر انسانی و موهن» مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ و اعلامیه حمایت از اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارهای خشن، غیر انسانی و موهن، که در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ طی قطعنامه ۳۴۵۲ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، نیز هرگونه شکنجه و رفتارهای مشابه آن را منع کرده اند (شفیعی نیا ۱۳۸۸: ۸۸-۸۹).

علاوه بر قراردادهای بین المللی قراردادهای منطقه ای نیز به کارگیری و اعمال هر نوع آزار و خشونت را ممنوع ساخته اند. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰، بند ۲ ماده کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها، که در سال ۱۹۸۱ مورد قبول کشورهای این قاره قرار گرفت، ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ قاهره، منشور عربی حقوق بشر که در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۷ به امضای دولتهای عربی رسید، از جمله اسنادی هستند که شکنجه را منع نموده اند.

از مجموع مستندات فوق می توان چنین نتیجه گرفت که ممنوعیت اعمال شکنجه در حقوق بین الملل از اهداف اساسی حقوق بشر می باشد و همه دولتها، چه دولتهایی که معاهدات مربوط به شکنجه را امضا

کرده اند و چه دولتهایی که آنها را امضا نکرده اند، ملزم به رعایت این اصل می باشند و باید زمینه اجرا و گسترش آشنایی جامعه با حقوق اساسی بشر را فراهم آورند. اما در بعضی از معاهدات نیز مواردی استثنا گردیده و اختیار بهره برداری از آن موارد را به دولتها و نهاده اند، که این امر با هدفی که قانونگذار دنبال می نماید مطابقت ندارد و موجب کاهش تأثیرگذاری مقررات حقوق بشری می گردد (همان: ۹۰).

۵- واکنش های جزایی به جرم شکنجه و رفتارهای مشابه

حقوقدانان اسلامی، «فعل» شکنجه را که از مصادیق ایذاء غیر بوده و به صورت های مختلف واقع می شود از موجبات تعزیر دانسته اند و از این رو بنا بر قواعد نوع و میزان این واکنش موکول به نظر حاکم شده است (صادقی ۱۳۸۱: ۱۲۹).

در ایران، قانونگذار طی ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات تعزیری مرتکب را حبس از ۶ ماه تا ۳ سال پیش بینی کرده است. بدیهی است مجازات یاد شده متوقف بر حصول مطلوب شکنجه گر یعنی اقرار بزه دیده نبوده بلکه صرف تحقق ایذاء با انگیزه اخذ اقرار مستلزم کیفر تعزیری محسوب شده است (همان).

در انگلستان، چارچوبی که مطابق با تعهدات مثبت و منفی و رویه ای دولت در ارتباط با شکنجه باشد در حد قابل توجهی پیچیده است. سیستم حقوقی انگلستان ممنوعیت شکنجه و سایر اشکال بد رفتاری را از طریق چارچوب حقوق کیفری و مدنی^۱ ممنوع کرده است. برای مثال ماده (بخش) ۱۳۴ از قانون عدالت کیفری ۱۹۹۸ شکنجه ای که توسط یکی از مقامات عمومی انجام شود بدون توجه به این که آیا قربانی بریتانیایی است یا شکنجه در بریتانیا انجام شده یا نه؛ ممنوع می کند،^۲ و شخصی که مرتکب جرم شکنجه می شود در صورت رسیدگی با کیفر خواست^۳ مستحق محکومیت به حبس ابد خواهد بود (ماده (۶) ۱۳۴ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۸۸).

۶- مبارزه با تروریسم و رواداشت شکنجه و رفتارهای مشابه

^۱ در انگلستان آزار و اذیت را می توان از طریق حقوق مدنی حل کرد و اشخاص می توانند مطالبه خسارت کنند.

^۲ "Article 3: Freedom from torture and inhumane and degrading treatment or punishment", Ibid, p.77

^۳ در انگلستان جرایم با اهمیت و شدید مستلزم کیفر خواست و حضور هیئت منصفه است.

امروزه تروریسم تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی می باشد. با افزایش موج تروریسم بیش از پیش شاهد تلاشهایی برای مبارزه با تروریسم بوده ایم، باید گفت تاکنون این اقدامات چندان موفقیت آمیز نبوده است و همین مساله عزم کشورها در مبارزه با تروریسم را بیشتر کرده است. در صحنه بین المللی علی رغم ده ها کنوانسیون، پروتکل، قطعنامه، اعلامیه و بیانیه در خصوص ابعاد مختلف تروریسم هنوز نظر قاطعی درباره مفهوم آن وجود ندارد (صفوی ۱۳۸۶: ۱).

با وجود این، قوانین ضد تروریسم در دنیا، عمدتاً پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ وضع شده اند که در نتیجه، ناکارآمدی اسناد و فعالیتهای بین المللی در مبارزه با اقدامات تروریستی بود. این قوانین، با اتکا به امکانات نظامی، انتظامی و امنیتی داخلی، امنیت ملی کشورها را بهتر از اسناد بین المللی که با محوریت حقوق بشر و برابری ملت ها به تصویب می رسند، تأمین می کنند (عالی پور ۱۳۸۸: ۳۷).

از این رو، تدابیری در مبارزه با تروریسم اتخاذ گردید که در درجه اول، همین نهادها و اصول حمایت از حقوق بشر را مورد نقض جدی قرار داد. شکنجه و تجاوز که پیش از آن به عنوان فجیع ترین اعمال ضد بشری شناخته می شد، یکباره به عنوان شیوه های مقابله با تروریسم در دستور کار غرب قرار گرفت. آن ها این جنایات را در لوای مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت ملی توجیه کردند و حتی این جنایات را علیه شهروندان خودشان نیز اعمال کردند (نماین و سهراب بیگ ۱۳۹۱: ۹۴-۹۳).

از این رو، حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در قانون گذاری انگلستان در خصوص تروریسم بین المللی محسوب می گردد. در پی حادثه مذکور پارلمان انگلستان قانون ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱^۱ (قانون ضد تروریسم) را به تصویب رساند.^۲ در قانون مذکور اعمال بازداشت نامعین بر اساس بخش ۲۳ قانون در مورد اتباع بیگانه مزنون به ارتباط با گروه های القاعده و اسامه بن لادن با تأییدیه وزیر کشور در شرایط امنیتی بالا مهم ترین نقص مقررات حقوق بشری محسوب می گردد به طوری که بخش مذکور مغایر با ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است (موسی زاده و عربستانی ۱۳۹۰: ۱۰۵۹).

بطور کلی، قانون های ضد تروریسم در انگلستان، به روشنی شکنجه متهم به بزه تروریستی را روا ندانسته اند، ولی متهمی که در بازداشت است از شکنجه بی بهره نیست، به ویژه در جایی که این شیوه برای

^۱Anti terrorism , crime and Security Act 2001(ATCSA).

^۲علاوه بر این در سال های: ۲۰۰۵ قانون پیشگیری از تروریسم (PTA)، ۲۰۰۶ قانون تروریسم (TA) و ۲۰۰۸ قانون مبارزه علیه تروریسم (CTA) را تصویب کرده است.

شناساندن همکاران متهم و پیش گیری از رخداد تروریستی آینده باشد(عالی پور ۱۳۸۸: ۱۹). همچنین، بازداشت های طولانی مدت تحت قانون مبارزه علیه تروریسم در شرایط امنیتی بالایی صورت می گیرد و بازداشت شدگان در زندان های انگلستان از رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی شکایت نموده اند که برای مدت های طولانی در انزوا بوده و از خدمات آموزشی، اجرای آداب مذهبی و ملاقات با دوستان و خانواده هایشان محروم شده اند و زمانی که آزاد می شوند از آسیب های روانی که طی بازداشت بر آن ها وارد شده رنج می برند. این امر با قاعده منع شکنجه و رفتارهای غیر انسانی که در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر آن تأکید شده و یک قاعده آمره محسوب می شود در تعارض است، چرا که دولت تحت هیچ شرایطی نباید بازداشت بدون ملاقات و بازجویی در مکان های مخفی را فراهم کند و در طول مدتی که شخص تحت بازداشت می باشد باید با کرامت انسانی با وی رفتار شود. به طور خاص بازداشتگاه های امنیتی مکانی است که تروریست ها معمولاً تحت رژیم های سخت و خشن جهت جلوگیری از فرار، ارتباط با سازمان های تروریستی خارجی قرار می گیرند که انزوای طولانی مدت، محدودیت فضای موجود، کنترل های بی وقفه سمعی و بصری در این بازداشتگاه ها منجر به نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده است و این گونه رفتارهای غیر انسانی به طور آگاهانه بر اشخاص تحمیل می گردد (موسی زاده و عربستانی ۱۳۹۰: ۱۰۹۷-۱۰۹۶).

بنابراین، این مقررات مورد تایید جامعه بین المللی و به خصوص نهادهای حقوق بشری نبوده است. زیرا سیاست کیفری این کشور تا حدی سرکوب گرایانه بوده است که در برخی از قسمتهای آن حتی حقوق اولیه شهروندان را نیز نقض می کند. تروریسم ناقص حقوق بشر و آزادی های اساسی است ولی مبارزه با آن نمی تواند بدون رعایت حقوق بشر صورت گیرد (صفوی ۱۳۸۶: ۱).

نظام موضوعه کیفری ایران راجع به تروریسم فاقد جرم انگاری مستقل است و نظام قانونگذاری ضد تروریسم علی رغم اینکه جامعه ایرانی به خصوص بعد از انقلاب اسلامی قربانی اقدامات تروریستی بوده است جایگاهی در نظام موضوعه کیفری ایران ندارد (صالحی ۱۳۷۱: ۲۳).

البته دولت جمهوری اسلامی ایران بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر^۱ «لایحه مبارزه با تروریسم»^۲ را تهیه و در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمود. همچنین ایران اخیراً با، تهیه لایحه‌ای به اسم لایحه تامین مالی تروریسم تلاش هایی در مبارزه با تروریسم کرده است.

نتیجه گیری

نظر به این که ممنوعیت شکنجه و رفتارهای مشابه آن یکی از مهم ترین ارزش های جامعه جهانی به شمار می آید، در کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای هرگونه شکنجه و رفتار غیر انسانی بطور مطلق منع شده است بطوری که هیچ عذر و بهانه ای نمی تواند آن را توجیه کند و همه کشورها ملزم به رعایت آن هستند. از این رو اکثر کشورها تلاش می کنند قوانین داخلی خود را منطبق با این کنوانسیون ها سازند.

در ایران با توجه به پیوستن به برخی کنوانسیون های حقوق بشری واصل ۳۸ قانون اساسی بر مبنای شریعت تمامی انواع شکنجه برای هر منظوری را منع کرده و تخلف از آن را مستحق مجازات می داند و در قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۷۸ مصوب ۱۳۷۵ این موضوع جرم انگاری شده است همچنین قانونگذار در راستای حفظ حقوق شهروندان قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی را تصویب کرد و با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ علاوه بر شکنجه جسمی به شکنجه روحی هم اشاره کرده است. بطور کلی تدوین این قوانین نشان دهنده تلاش های قانونگذار ایرانی در جهت تضمین حقوق بشر در کشور است.

در قوانین داخلی انگلستان هم شکنجه و رفتارهای مشابه آن منع شده است بعلاوه این کشور با تصویب کنوانسیون های حقوق بشری بخصوص کنوانسیون منع شکنجه و رفتار و مجازات ظالمانه و غیر انسانی و تحقیرکننده (۱۹۸۴) و کنوانسیون اروپایی منع شکنجه توجه ویژه به این مسأله کرده است با وجود این انگلستان به بهانه مبارزه با تروریسم و حفظ منافع ملی اعمال شکنجه و رفتارهای مشابه را بر مبنای

^۱ <http://hvm.ir/print.asp?id=35077>

^۲ در این لایحه برای اولین بار جرم تروریستی تعریف شد که مطابق آن تهدید به ارتکاب جرایم و اقدام های خشونت آمیز از راه به وحشت افکندن مردم برای تاثیرگذاری بر خط مشی تصمیم ها و اقدام های جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و سازمان های بین المللی جرم تروریستی محسوب می شد.

جرایم تروریستی روا می‌دارد و تعهدات بین‌المللی خود را در ممنوعیت مطلق شکنجه و رفتارهای مشابه زیر پا می‌گذارد.

و در خصوص واکنش‌های کیفری به شکنجه و رفتارهای مشابه آن در ایران با توجه به ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مجازات شکنجه‌گر بسته به نتایج حاصله قصاص یا پرداخت دیه یا حبس از شش ماه تا سه سال می‌باشد. در انگلستان ضمانت اجرای شکنجه و سایر اشکال بد رفتاری از طریق حقوق کیفری و مدنی تضمین می‌شود و ضمانت اجرای مدنی این است که اشخاص می‌توانند مطالبه خسارت کنند و از لحاظ کیفری در صورتی که رسیدگی باکیفر خواست باشد شکنجه‌گر مستحق محکومیت به حبس ابد خواهد بود.

فهرست منابع

- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۹)، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- برادلی و اوینگ، (۱۳۸۵)، منابع و ماهیت قانون اساسی انگلستان، ترجمه: دکتر توکل حبیب زاده. نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۶ و ۷.
- حاتمی، مهدی و حاجی زاده، محمود، (۱۳۸۶)، بررسی قانون ضد تروریسم انگلیس، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۶.
- رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۴)، جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین الملل معاصر، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۰.
- شفیعی نیا، محمد شفیق، (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه در سه نظام حقوقی (اسلام، ایران و بین الملل)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۵)، جایگاه منع شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، نشریه اندیشه های حقوقی، سال سوم، شماره ۹.
- صادقی، محمد هادی، (۱۳۸۱)، جرم شکنجه در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره ۱.
- صالحی، حسین (۱۳۷۱). تروریسم و خرابکاری در قوانین کیفری ایران، (پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- صفوی، سارا، (۱۳۸۶). سیاست کیفری ایران و انگلستان در قبال اعمال تروریستی در پرتو اسناد بین المللی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه مفید، قم.
- عالی پور، حسن، (۱۳۸۸)، امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آئین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی، فصلنامه مطالعات راهبردی سال دوازدهم، شماره ۱.

- کروزن، ال.ب (۱۳۸۴)، فرهنگ حقوق انگلیسی - فارسی، (قدیر گلکاریان، ناصر جواد خانی، هادی میرواحدی و محمد جواد، مترجمان) تهران : نشر دانشیار، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر ، جلد ۲، چاپ هشتم.
- موسی زاده، رضا و زهرا عربستانی (۱۳۹۰)، مبارزه علیه تروریسم و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط کشورهای اروپایی با تأکید بر عملکرد انگلستان و اسپانیا ، فصلنامه سیاست خارجی سال بیست و پنجم شماره ۴.
- نمامیان، پیمان و محمد سهراب بیگ (۱۳۹۱)، مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن دوره ۳، شماره ۶.
- “Article 3: Freedom from torture and inhumane and degrading treatment or punishment” (2012) , Human Rights Review (May, 24 , 2014) Available at : http://www.equalityhumanrights.com/uploaded_files/humanrights/hrr_article_3.pdf/
- Conde, H. Victor, (2004) , A Handbook of International of Human Right Terminology, Second Edition, United States: University of Nebraska Press.
- Hawkins, Joyce, (1988) , The Oxford Refrence Dictionary, Oxford : Oxford University, Clarendon press.
- Jayawickrama, Nihal, (2002) , The Judicial Application of Human Rights Law : National, Regional and International Jurisprudence, first published, Cambridge : Cambridge University Press.
- “Torture in UK law”, (2008), (April 7, 2014) Available at : <http://www.justice.org.uk/pages/torture-in-uk-law.html/>
- Walker, David, (1980), The Oxford Companion to Law, Oxford: Oxford University, Clarendon press.

The analysis of rules against torture and similar other treatments Iranian and uk laws with a view of the documents of human right

Abstract

Context and objective: Most conventions on human rights of the absolute prohibition on torture and its similar treatment has been emphasized, so most countries such as Iran and England (uk) have taken this rule into consideration in their domestic laws. In this paper the main objective is the Explanation and description concerning the status of the rule of law in Iran and England (uk) and review documents of human rights.

Methodology: the research method in this paper is descriptive and analytical and The accumulated data are documents - library based references.

Findings: The prohibition on torture and its similar treatment In most documents of human rights are absolutely accepted and the Iran and England (uk) according to the rules governing it domestic law that have prohibited.

Results: Necessary to further treat the wider international community especially in Iran and uk laws to suppression against torture and its similar treatment.

Keyword: torture, similar treatment, domestic laws, Iranian law, England (UK) law ,documents of human rights.